

ما و ژاپن

گزارش مخبر السلطنه از ژاپن در آغاز قرن بیستم

سفرنامه مکه اثر مهدیقلی خان هدایت (مخبر السلطنه)، شرح سفر دور دنیای مؤلف به همراه میرزا علی اصغرخان اتابک است. این سفر پس از استعفای اتابک از صدارت اعظمی (۲۲ جمادی‌الآخر ۱۳۳۱) با کسب اجازه از مظفرالدین شاه قاجار، به ظاهر به قصد زیارت مکه معظمه و در حقیقت سفر به دور دنیا در تاریخ سه‌شنبه ۲۹ جمادی‌الآخر ۱۳۳۱ از تهران آغاز شد. همراهان اتابک در این سفر، میرزا احمدخان فرزند اتابک، مهدی قلی‌خان هدایت، عبدالله خان فرزند مهدی قلی‌خان، وثوق حضور، عبدالله قهوه‌چی و حسین‌خان پیشخدمت بودند.

اتابک قصد خود از سفر به دور دنیا را حتی از همراهانش نیز پنهان می‌داشت و همراهان وی زمانی از نیت اتابک آگاه شدند که تهران را به قصد روسیه ترک کرده بودند و در رشت به سر می‌بردند؛ در رشت نیز اتابک از آنها خواست تا این نیت را تا رسیدن به مسکو مکتوم نگه دارند (ص ۶). مهدی قلی‌خان مخبر السلطنه با آگاه شدن از قصد اتابک، این اندیشه را با تشویق‌های خود در وی تقویت کرد؛ زیرا به زعم مخبر السلطنه این سفر می‌توانست اندیشه‌های اصلاحی را در افکار اتابک برای اصلاحات آینده کشور تقویت کند (ص ۳).

این جمع هفت نفری از راه قزوین و رشت و بندر انزلی با کشتی به بادکوبه و از آنجا با راه‌آهن به مسکو و سپس به سوی سبیری حرکت کردند و از دشت قبیچاق و اورچومگا در اورال اُمسک و تمسک گذر کردند و به ایر کوتسک در قلب سبیری رسیدند. سپس از دریاچه بایکال با کشتی عبور کرده و وارد منچوری شدند. بعد از شهر مغدن (شینگ یانگ) به اینگو و سپس به پرت آرتر رفتند و با کشتی به بندر چیفو و بعد بندر تین سین رفته و از آنجا با راه‌آهن به پکن وارد شده‌اند و پس از ملاقات با وزیر خارجه چین و دیدار از معبد آسمان و مسجد مسلمانان و شهر ممنوعه و برخی نقاط دیگر به تین سین بازگشته و از راه چیفو و سینتو به شانگهای رفته و از آنجا عازم ژاپن شدند. تا از طریق ژاپن رهسپار آمریکا شوند.

مخبر السلطنه به اتفاق همسفرانش در طی توقف ۲۲ روزه خود در ژاپن از بنادر ناگاساکی، کوبه و شهرهای کیوتو و توکیو و برخی نقاط دیدنی ژاپن دیدن کرده و در دیدارها و گفتگوهای اتابک با امپراتور ژاپن، کنت کاتسورا، نخست‌وزیر و مارکی ایتو هیروبو می وزیر امور خارجه ژاپن به عنوان مترجم حضور داشته است. مخبر السلطنه با دیده تیزبین و ذهن کنجکاو و نقاد خود دیده‌ها و شنیده‌های خود را در طی این سفر در قالب یادداشتهای مفید و جالب تاریخی، جغرافیایی،

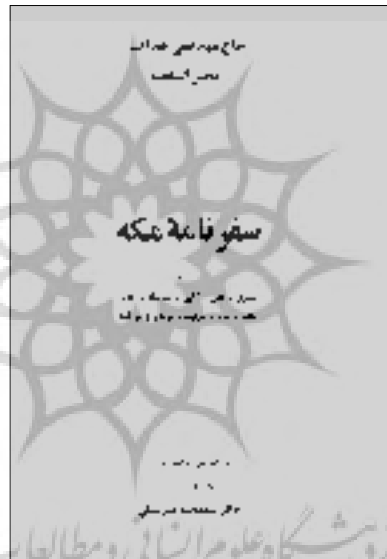
اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گرد آورده است. اولین توصیف مخبر السلطنه از ژاپن در بدو ورود به این کشور، توام با شگفتی و تحسین است. وی می‌نویسد: «چینی را مهموم دیدیم، سرپیش افکنده، اینجا گردن افتخار اهالی بلند است. در چین صاحبخانه‌ای معلوم نبود. لاشخورها (دول استعماری) هر طرف خودنمایی می‌کردند، اینجا صاحبخانه مشخص است و مشخص، شاد و خندان (ص ۱۴۹-۱۵۰).

مخبر السلطنه در سفرنامه خود تصویری از وضعیت کشورهایی که در این سفر از آنها دیدن کرده ارائه می‌دهد. مقایسه اوضاع و احوال این کشورها به‌ویژه ژاپن با وضعیت ایران در اوایل سده بیستم میلادی تا حدی پاسخگوی این نکته است که چرا ایران در راه توسعه و پیشرفت با وجود آنکه گام‌های نخستین در این راه را زودتر از ژاپن برداشته بود، ناکام ماند، اما ژاپن کامیاب گشت. از نکات ظریف و قابل توجه در این سفرنامه، گفت‌وگوهای میان اتابک با برخی سیاستمداران ژاپنی است. در دیدار اتابک با کنت کاتسورا، نخست‌وزیر ژاپن، وی از اتابک «سوال کرد که در زمامداری خود برای اقتصاد چه کرده‌اید؟ اتابک گفت: عهدنامه با روس داشتیم و از شروط آن حصر گمرک به صد و پنج بود، در گمرک اختیار نداشتیم، اخیراً موفق شدیم با روس قرار تازه‌ای بگذاریم. کنت گفت: ما هم همین گرفتاری را داشتیم و مبتلا به کاپیتولاسیون هم بودیم، عدلیه را مطابق مرسوم اروپا ساختیم، قوانین تنظیم کردیم، قوای نظامی خودمان را تکمیل نمودیم و عهدنامه‌ها را فسخ کردیم، اروپاییان ایرادی نداشتند، سر نیزه را هم می‌دیدند، تمکین کردند.» (ص ۱۶۱)

و یا در دیدار اتابک با مارکی ایتو هیرومی، وزیر امور خارجه ژاپن گفتگوی میان آن دو در خور تأمل است. «اتابک عنوان کرد دانسته‌ایم که ترقیات ژاپنی نتیجه حسن تدبیر و تعلیمات جنابعالی است. گفت: اینهمه آوازه‌ها از شه بود.

باز اتابک پرسید: از کجا شروع کردید؟ گفت: چون دست به کار زدیم، دیدیم مرد کار نداریم، از جوان‌های آزموده به اروپا و آمریکا فرستادیم، در هر شعبه علمی و صنعتی تکمیل شدند، سپس به تشکیلات پرداختیم و هرگونه مدرسه در مملکت ساختیم» (ص ۱۶۴).

سپس مخبر السلطنه می‌افزاید: «بین من و اتابک صحبتها در این زمینه رفته بود، فرمایشات مارکی باری از روی دل من برداشت.» (همانجا) یادداشتهای مختصر مخبر السلطنه از دیدار با امپراتور ژاپن بیانگر ساده‌زیستی و روحیات



○ علی کرم همدانی

○ سفرنامه مکه از راه سبیری - چین - ژاپن -

آمریکا - اروپا - مصر - شام - بیروت - یونان و ترکیه

○ تألیف: مهدیقلی هدایت، مخبر السلطنه

○ حواشی و فهارس به کوشش: دکتر سید محمد

دبیر سیاچی

○ ناشر: تیرازه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸.



ژاپن و برجستن صاحبمنصبان در مدرسه نظام و تصنیف روز اول سال مقایسه بفرمایید، این قوم شکست نخواهند خورد و بی‌گدار به آب نمی‌زنند» (ص ۱۷۷).

از نکات قابل توجه برای مخبرالسلطنه در ژاپن هنر و صنعت رو به توسعه ژاپن است. «دست صنعت ژاپنی از هیچ چیزی می‌سازد که محل حیرت است؛ حتی ریشه درخت را صورت تحفه می‌دهند» (ص ۱۵۹). «ما را به تماشای کشتی جنگی شینان بردند. ساخت ژاپن. دو توپ مفرغی بزرگ روی کشتی منصب بود.

یکی از صاحبمنصبان مارک توپ را به دست پوشید و گفت: بین این دو توپ چه تفاوت می‌بینید؟ گفتم: هیچ. مارک را آشکار کرد و گفت: این کار خودمان است و آن ساخت آرم استرانگ انگلیسی، صورتاً فرقی ندارند، عملاً ساخت ما چهل پنجاه تیر بیشتر تاب دارد.» (ص ۱۶۵)

حس وطن‌پرستی و توجه به امور اجتماعی از جانب مردمان ژاپن از دیگر نکات جالب برای مخبرالسلطنه بوده است. «روز ۱۳ دسامبر تمام خانه‌ها شاخه سبز به درب خانه‌ها زده بودند، گویی عیدی بود، معلوم شد امروز در حوزه کیوتو سربازان جدید داخل نظام می‌شوند. بیداست که خدمت نظام را تا چه درجه اهمیت می‌دهند و افکار جمهور تا چه اندازه متوجه امور است.» (ص ۱۵۶).

مناعت طبع مردم ژاپن از دیگر نکات تحسین‌برانگیز مخبرالسلطنه بوده است. «در مدخل حجره هاشی، زنی سبب داشت. اتابک نیمین بدو داد و گذشتیم، سراسیمه، دنبال ما دوید که در عوض سبب برداریم، معلوم شد بلاعوض قبول نمی‌کند. لابد برگشتیم چند سبب برداشتیم. در ژاپن اهل سؤال دیده نشد، برخلاف چین که ازدحام دارند» (ص ۱۵۶). «یک نفر پاسبان مراقب احوال ما بود در گار اتابک گفت: به او چیزی باید داد، دهین به او دادم نگرفت اصرار کردم که میهمان محترمی به شما هدیه می‌دهد نگیرید خوب نیست.

گفت از رئیس خودم می‌پرسم، رفت، برگشت، گفت: گفتند هیچ عیبی ندارد، و نگرفت» (ص ۱۷۰). «اتابک در ایرکوتسک انگستری به سیصد روبل خریده بود. به منشی وزیر خارجه نیاز کرد. گفت مجاز نیستیم بپذیریم و حال آنکه قصد عروسی دارم و چه به کار می‌خورد. قرار شد کسب اجازه کند. صبح شادمان به کشتی آمد و گفت: وزیر اجازه داد، تشکر دارم. ما هم خوشوقت شدیم» (ص ۱۸۳).

مخبرالسلطنه در گزارش سفر خود به ژاپن با تیزهوشی و فراست به نکاتی اشاره دارد که می‌تواند پاسخگوی این پرسش باشد که چرا ایران و ژاپن دو کشوری که هر دو تقریباً همزمان در راه توسعه گام برداشته بودند، در این راه یکی موفق و دیگری ناموفق ماند؟ شاید محافظه‌کاری وی به او این اجازه را نمی‌داده که در این گزارش ریشه‌های اصلی عدم توسعه یافتگی ایران را بازگو کند.



منوی صورت اغذیه مخبرالسلطنه و همراهان که بیرق ایران و ژاپن بالای آن نقش است.

اتاق خارج نشده بودیم، سیخ سر جای خود ایستاده بود، بعد از در دیگر تشریف بردند... گفتند هشت سال است که پادشاه در تقاضا تصرف روسها پرت آرتور را، از قصر خود بیرون نرفته است و آئی از صرافت تدارک بیرون نیست (ص ۱۶۲ - ۱۶۳).

اقامت مخبرالسلطنه در ژاپن مقارن با آغاز جنگ میان ژاپن و روسیه بوده است. هیجان ناشی از آغاز این جنگ در میان ژاپنی‌ها برای مخبرالسلطنه جای بسی شگفتی داشته است. «ما مشغول تماشا (مدرسه نظام) بودیم که هیاهویی شد. گفتند روزنامه برای آنها رسیده که وقوع جنگ را تأیید می‌کند، صاحبمنصب‌های روسی به خاطر آمد که از خبر جنگ ملول می‌شدند. تفاوت از کجا تا به کجا» (ص ۱۶۶ - ۱۶۷). «اتابک افسوس داشت که حیف است ژاپنی‌ها با روس جنگ کنند، شکست می‌خورند و لطمه به کارشان وارد می‌آید. گفتم تصور نمی‌کنم شکست بخورند، پذیرایی خودمان را در پرت آرتور، مصاحبه ژاپنی را در چیفو و جد صاحبمنصبان روسی را در راه از موقوف شدن جنگ با پذیرایی خودتان در

یادداشت‌های مختصر مخبرالسلطنه از دیدار با امپراتور ژاپن بیانگر ساده‌زیستی و روحیات وطن‌پرستانه شخص اول ژاپن در اوایل قرن بیستم میلادی است

وطن‌پرستانه شخص اول ژاپن در اوایل سده بیستم میلادی است.

«عمارت میکادو ساده‌تر از آن است که به وصف بیاید، می‌بایست چهار پله بالا رفت. دو نفر از خدام در بیست متر طول و سه متر عرض، دیوارها گلی است و ناهموار، مثل آنکه گل به بشن (رویه) دیوار افشاندند باشند. بشن دالان طرف باغ کاغذ لقی (در و پنجره) چوبی که در شیشه خورهای آن به جای شیشه کاغذ چرب چسبانده باشند) است. یک ردیف به عرض شش گره شیشه. پیرمردی ما را پذیرایی کرد و به تالاری وسیع برد دیوار همچنان گل اندود. فرش، حصیرهای قالبی که کنار هم قرار داده بودند به قطع قالبچه‌های خودمان.... پس از دقیقه‌ای بیست احضار شدیم. امپراتور در اتاق جنب تالار که قدری هم تاریک بود جلو صندلی از چوب فوفل و ظاهراً کار هند ایستاده بود، سر برهنه و چون مجسمه بی‌حکمت. کنت تودا رئیس تشریفات مترجم است. بدو اتابک را با من به سمت مترجمی به حضور برد به طوری که گفته بودیم، سری فرود آوریم. پادشاه گفت سفارش کرده‌ام که هر جا بخواهید برای تماشا شما را هدایت کنند، منتظرم به شما در ژاپن خوش بگذرد... پادشاه به اتابک و همراهان دست داد. مذاکرات به توسط مترجم شد. لکن معلوم بود که امپراتور فرانسه می‌داند، در موقع تشکر و تقدیم تبریکات آثار تبسمی در صورت او پیدا شد. تا ما از